

**Secular Humanism in the Mirror of Children's Literature:
A Framework for Content Criticism of Children's Literature
from an Islamic Perspective**

Fatemeh Shegefti¹

Meysam Tavakoli Bina²

Hamid-Reza Navidi Mehr³

Abstract

Given the considerable volume of translated works in Iranian children's and young adult literature (approximately half of all publications since 2018), content criticism of these works is essential for safeguarding cultural identity and the beliefs of the future generation. The present study aims to identify the key and problematic characteristics of secular humanism in these works and to provide a framework for critics of children's literature from the perspective of Islamic education. The main components of secular humanism—including “anthropocentrism,” “pleasure-seeking,” “utilitarianism,” “self-centeredness,” “belief in a non-intervening God,” “denial of the supernatural,” and “unconditional freedom”—were extracted through the examination of humanist manifestos. Using qualitative content analysis, examples of best-selling translated books for the 9–12 age group were then analyzed, including the *Treehouse* series, *Judy Moody*, *Matilda*, and *Good Stories for Ambitious Girls*. The findings indicate that extreme emphasis on individual abilities and self-sufficiency, the removal or downplaying of God's role and spiritual matters, the normalization of pleasure-seeking and utilitarianism (even at the expense of ethical principles), and the promotion of unlimited individual freedom are recurring themes in these works. By explaining these characteristics, this study seeks to raise awareness among critics, publishers, educators, and parents so they can make more informed choices regarding works for children and adolescents, thereby preventing the negative impact of this worldview on their religious identity.

Keywords: Secular humanism, children's and young adult literature, literary criticism, Islamic education, translated works, anthropocentrism, content analysis.

-
1. Master's graduate in Children's and Young Adult Literature. fatemeshegefti@gmail.com, f.shegefti@imamreza.ac.ir (ORCID: 0009-0004-9951-4868)
 2. PhD in Philosophy of Religion and Faculty Member at the Institute for Research in Philosophy and Wisdom of Iran (Corresponding Author). tavakoli@irip.ac.ir (ORCID: 0000-0001-6288-3222)
 3. PhD in Persian Language and Literature and Faculty Member at Imam Reza International University. h.navidimehr@imamreza.ac.ir (ORCID: 0009-0006-4137-0026)

الأبحاث الكلامية

فصلية - علمية بحثية

السنة الرابعة عشرة، العدد الثاني والخمسون

شوال - ذي الحجة ١٤٤٧ق

الإنسانية العلمانية في مرآة أدب الطفل:

إطار نقد محتوى أعمال أدب الطفل من المنظور الإسلامي

فاطمة شگفتي^١

ميشم توکلي بيينا^٢

حميد رضا نویدی مهر^٣

الملخص

نظرًا للحجم الكبير للأعمال المترجمة في أدب الأطفال والناشئة في إيران (نحو نصف المنشورات منذ عام ٢٠١٨م)، فإن النقد المحتوائي لهذه الأعمال يُعدّ ضروريًا لصون الهوية الثقافية ومعتقدات الأجيال القادمة. وقد أُجري هذا البحث بهدف التعرف على السمات الرئيسة والإشكالية للإنسانية العلمانية في هذه الأعمال، وتقديم إطارٍ للنقد في مجال أدب الطفل من منظور تربوي إسلامي. المكونات الأساسية للإنسانية العلمانية عبارة عن: «محورية الإنسان»، و«محورية اللذة»، و«النفعية»، و«محورية الذات»، و«الإيمان بالله آلي» [أو إله صانع الساعات]، و«إنكار ما وراء الطبيعة»، و«الحرية غير المقيدة»، من خلال دراسة البيانات الإنسانية. ثم جرى استخدام منهج تحليل المحتوى الكيفي لدراسة نماذج من الكتب المترجمة الأكثر مبيعًا والموجهة للفئة العمرية من ٩ إلى ١٢ سنة، ومن بينها سلسلة «البيت الشجري»، و«جودي المزاجي»، و«ماتيلدا»، و«قصص جيدة للفتيات الطموحات». وتُظهر النتائج أن المبالغة في التأكيد على القدرات الفردية والاكتفاء الذاتي، وإقصاء دور الله تعالى والأمور الروحية أو تهميشها، وتطبيع السعي وراء اللذة والمنفعة حتى على حساب المبادئ الأخلاقية، والترويج للحرية الفردية غير المحدودة، تُعدّ من المضامين الشائعة في هذه الأعمال. ويسعى هذا البحث، إلى جانب بيان هذه المؤشرات، إلى توعية النقاد والناشرين والمربين وأولياء الأمور من أجل اختيار أعمال أكثر وعياً للأطفال والناشئة، والوقاية من الآثار غير المرغوبة لهذه الرؤية على هويتهم الدينية.

الألفاظ المحورية: الإنسانية العلمانية، أدب الأطفال والناشئة، النقد الأدبي، التربية الإسلامية، الأعمال

المترجمة، محورية الإنسان، تحليل المحتوى.

١. ماجستير أدب الأطفال والناشئة. f.shegefti@imamreza.ac.ir, fatemeshegefti@gmail.com

(ORCID: 0009-0004-9951-4868)

٢. دكتوراه فلسفة الدين، وعضو الهيئة العلمية بمؤسسة الحكمة والفلسفة الإيرانية للبحوث (الكاتب المسؤول). tavakoli@irip.ac.ir

(ORCID: 0000-0001-6288-3222)

٣. دكتوراه لغة وأدب فارسي، وعضو الهيئة العلمية في جامعة الإمام الرضاؑ الدولية. h.navidimehr@imamreza.ac.ir

(ORCID: 0009-0006-4137-0026)

تحقیقات کلامی

فصلنامه علمی پژوهشی

انجمن کلام اسلامی حوزه

سال چهاردهم، شماره پنجاه و دوم، بهار ۱۴۰۵

اومانیسیم سکولار در آینه ادبیات کودک:

چارچوبی برای نقد محتوایی آثار ادبیات کودک از دیدگاه اسلامی

فاطمه شگفتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

میثم توکلی بینا^۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

حمیدرضا نویدی مهر^۳

چکیده

با توجه به حجم قابل توجه آثار ترجمه در ادبیات کودک و نوجوان ایران (حدود نیمی از انتشارات از سال ۱۳۹۷)، نقد محتوایی این آثار برای پاسداری هویت فرهنگی و باورهای نسل آینده ضروری است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخصه‌های کلیدی و مسئله‌ساز اومانیسیم سکولار در این آثار و ارائه چارچوبی برای ناقدان ادبیات کودک از منظر تربیت اسلامی، انجام شده است. مؤلفه‌های اصلی اومانیسیم سکولار شامل «انسان‌محوری»، «لذت‌محوری»، «منفعت‌طلبی»، «خودمحوری»، «اعتقاد به خدای بدون مداخله»، «انکار ماوراءالطبیعه» و «آزادی بی‌قید و شرط» از طریق بررسی بیانیه‌های اومانستی استخراج گردید. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، نمونه‌هایی از کتاب‌های پرفروش ترجمه‌شده، ویژه گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال، از جمله مجموعه *خانه‌درختی*، *جودی دلمی*، *ماتیلدا* و *داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز* بررسی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأکید افراطی بر توانایی‌های فردی و خودبسندگی، حذف یا کم‌رنگ‌سازی نقش خداوند و امور معنوی، عادی‌سازی لذت‌جویی و منفعت‌طلبی حتی به قیمت زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و ترویج آزادی نامحدود فردی، از مضامین رایج در این آثار است. این پژوهش ضمن تبیین این شاخصه‌ها، به دنبال آگاهی‌بخشی به ناقدان، ناشران، مربیان و والدین برای انتخاب آگاهانه‌تر آثار برای کودکان و نوجوانان و پیشگیری از تأثیرهای نامطلوب این جهان‌بینی بر هویت دینی آنان است.

واژگان کلیدی: اومانیسیم سکولار، ادبیات کودک و نوجوان، نقد ادبی، تربیت اسلامی، آثار ترجمه،

انسان‌محوری، تحلیل محتوا.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان. f.shegefti@imamreza.ac.ir, fatemeshegefti@gmail.com

(ORCID: 0009-0004-9951-4868)

۲. دکترای فلسفه دین و عضو هیأت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (نویسنده مسئول). tavakoli@irip.ac.ir

(ORCID: 0000-0001-6288-3222)

۳. دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع). h.navidimehr@imamreza.ac.ir

(ORCID: 0009-0006-4137-0026)

مقدمه

داستان بر همه گروه‌های سنی اثرگذار است. «تمام معلّمان تصدیق می‌کنند که کودکان، داستان را بهتر و سریع‌تر از سایر گونه‌های زبانی درک می‌کنند... مطالعات متعدّد، نشان می‌دهد که نثر داستانی نسبت به سایر گونه‌های نثر، سریع‌تر و بهتر خوانده، پردازش، درک و یادآوری می‌شود» (گرسر، ۱۹۸۱م، به نقل از فامیان، ۱۳۷۹: ۵۵۲-۵۵۳). بنابراین، نه تنها داستان‌ها نقش آفرینند، علوم وابسته به آن‌ها چون نقد نیز از اهمیّت ویژه‌ای برخوردارند. «حجوانی» با اشاره به اهمیّت مضاعف مخاطب‌شناسی در حوزه نقد ادبیات کودک و نوجوان، علّت این امر را در حساسیت و آسیب‌پذیری این دسته مخاطبان می‌داند: «کودکان به راهنما برای انتخاب نیاز بیشتری دارند؛ چرا که در عقلی‌کردن دریافت‌های حسی خود موفق نیستند و به مقتضای سن خود ظاهربین و ساده‌اند. از طرفی، دخالت بزرگ‌ترها در انتخاب کتاب، همیشه برای کودک کارساز نیست؛ چرا که گاه اطرافیان کودک آگاهی و دانش کافی در همه زمینه‌ها را ندارند (حجوانی، ۱۳۸۱-الف). این مطلب نیاز حضور نظریه‌پردازان و منتقدان ادبیات کودک و نوجوان را روشن می‌کند. به علاوه، ایران از جوان‌ترین جوامع و دارای بیشترین مخاطب کودک و نوجوان است که به علّت فراغت، بیشتر از بزرگ‌ترها با کتاب سروکار دارند (همان). از این رو، ادیبان و منتقدان می‌باید داستان‌ها را به عنوان خوراک ذهنی نسل جدید واکاوی کنند.

ادبیات کودک و نوجوان به دلیل تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری هویت فرهنگی و باورهای نسل آینده، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. آمارهای خانه کتاب ایران نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا اسفند ۱۴۰۳، ۴۹/۵٪ از کتاب‌های منتشر در این حوزه، ترجمه بوده‌اند. این حجم از ترجمه، لزوم بررسی شاخصه‌های اومانیسم را در این آثار دوچندان می‌کند؛ اگر چه تولیدات داخلی نیز از این بررسی بی‌نیاز نیستند.

از قرن ۱۴ میلادی تا کنون، اومانیسم نقشی محوری در شکل‌دهی به ادبیات و هنر ایفا کرده است (Kurtz, 2000). این تفکر به عنوان جریانی فلسفی - فرهنگی که انسان را محور هستی می‌داند، با تأکید بر ارزش‌هایی مانند عقل‌گرایی و آزادی فردی، ساختارهای سنتی و مذهبی را به چالش کشیده است. با وجود این، تأثیر نظام‌مند اصول اومانیستی بر متون ادبی، به ویژه در حوزه کودک و نوجوان، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که شاخصه‌های کلیدی و مسئله‌ساز اومانیسم معاصر که ناقدان ادبیات کودک در تحلیل آثار باید مدنظر قرار دهند، کدامند؟ همچنین پس از بیان مؤلفه‌ها، نمونه‌هایی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها

بررسی شده است.

تا کنون پژوهشی از منظر اومانیسیم به این جامعه هدف پرداخته است. اما مواردی در زمینه نقد فیلم و پویانمایی وجود دارد. حسنائی (۱۴۰۱) در مقاله «نقش فیلم‌های معاصر عامه‌پسند آمریکایی در مشروعیت دادن به تفکر اومانیسیم»، برخی از این فیلم‌ها را از منظر دیدگاه‌های اومانستی تحلیل می‌کند و بیان می‌دارد که تأثیرهای مخرب این فیلم‌ها، تهدیدکننده مخاطبان و جامعه کودک و نوجوان خواهد بود و با تغییر نگرش، نسل آینده را به بردگی فکری خواهد کشید. نگارنده دو مقوله ایمان‌آوردن خدا به انسان و منیت انسان «قوم برتر من» را بررسی کرده و به سایر شاخصه‌ها پرداخته است.

ملک‌زاده دیلمقانی، کهنه‌شهری و حسن‌زاده (۱۴۰۱)، مؤلفه‌های اومانستی را روی دو رمان «وقتی که ماه کامل می‌شود» و «ترلان» بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش ایشان بیانگر آن است که بیشتر مؤلفه‌های اومانستی، در هر دو رمان به‌عنوان دغدغه‌های بنیادی نویسنده دیده می‌شود. مفاهیمی همچون خردگرایی، تنهایی، واقع‌گرایی، محدودیت مکان نداشتن، توجه به روابط انسانی اثربخش، انتقاد از سنت، کمال‌گرایی، فردگرایی، مدارا و تعهد، آزادی و قانون‌گرایی در این آثار مشهود است.

جوان (۱۴۰۱)، برای بررسی اومانیسیم، رمان‌های معاصر فارسی را بررسی کرده است. روش پژوهش وی توصیفی-تحلیلی است. نتیجه مقاله حاکی از آن است که در آثار مرعشی، به‌ویژه در رمان «پاییز فصل آخر سال است»، مؤلفه‌هایی چون خردگرایی، فردگرایی، واقع‌گرایی، اراده انسان و... را می‌توان مشاهده کرد. نویسنده به مؤلفه‌های اومانستی نگاه نقادانه ندارد و تنها ظاهر مثبت هر یک از مؤلفه‌ها را دریافته و آن‌ها را بازنمایی کرده است.

علیزاده شیرازی (۱۳۹۷)، در پی تبیین جایگاه علمی شعرای معاصر در حوزه اندیشه‌های انسان‌دوستانه، بیان می‌کند که انسان‌گرایی در آثار ادیبان فارسی منطبق بر آموزه‌های دین است و با اومانیسیم به معنای دارا بودن بی‌قید و شرط مؤلفه‌های اومانستی تفاوت دارد؛ اما همچنان در تیتراژ اومانیسیم در آثار شاعران نام می‌برد که باعث ایجاد برداشت اشتباه از اومانیسیم و مترادف دانستن این واژه با «انسان‌دوستی» می‌شود. از این جهت که برخی مؤلفه‌های مرتبط با اومانیسیم در این پایان‌نامه بررسی شده است، با پژوهش حاضر مرتبط خواهد بود؛ اگر چه مورد مطالعه و دیدگاه نویسنده، متفاوت است.

شکاری و سلیمیان (۱۳۹۵)، سیر تحوّل مکتب اومانیسیم نو و تأثیر آن بر تربیت دینی را

بررسی کرده‌اند. این مقاله نگاهی دقیق به تعبیر اومانیسیم دارد و تفاوت دیدگاه افرادی را که قائل به اومانیسیم دینی هستند، با سایر اومانیسیت‌ها بیان می‌دارد. همچنین، آثار فرهنگی و عقیدتی اومانیسیم را بررسی و در پی پاسخ به این پرسش است که آیا اومانیسیت می‌تواند انسان را به سعادت برساند؟ وی بیان می‌کند که اومانیسیم به معنای پرستش انسان است نه انسان‌دوستی یا تکریم انسان که مورد تأکید اسلام و سایر ادیان توحیدی است.

رحیمی و قوچانیان (۱۳۹۰)، اومانیسیم را در آثار «روانی پور» و «مخملباف» بررسی و شاخصه‌های آن را در ادبیات تعریف می‌کنند. در این تحلیل، به اومانیسیت به دید مثبت نگریسته شده و به ظرافت‌های مورد نیاز در نقد اومانیسیم توجه نشده است.

هدف‌های این پژوهش عبارتند از:

۱) ارائه چارچوبی برای شناسایی شاخصه‌های اومانیسیم در ادبیات کودک و نوجوان تا به ناقدان در بررسی آثار کمک کند. حجوانی اشاره می‌کند که نقد هر چقدر بر محور یک گرایش یا دیدگاه متمرکزتر باشد، به همان میزان عمیق‌تر و تخصصی‌تر خواهد شد (۱۳۸۱-الف: ۲۹). بنابراین، در این مقاله موضوع نقد ادبی را به نقد محتوا بر اساس مؤلفه‌های اومانیسیت محدود می‌کنیم.

۲) کمک به ناقدان و مترجمان در انتخاب آثار هم‌سو با ارزش‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی.
 ۳) پیشگیری از تأثیرهای نامطلوب اومانیسیم بر هویت دینی نسل آینده. به گفته «بنت» (به نقل از جوکاری، ۱۳۹۳) نقد ادبی نه تنها به درک عمیق‌تر متن کمک می‌کند، بلکه ابزاری برای کشف روابط قدرت و ایدئولوژی‌های پنهان در آثار ادبی است. بررسی ایدئولوژی‌های پنهان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این ایدئولوژی‌ها همانند بسیاری از زیرمتن‌ها، تأثیری ژرف‌تر بر وجود خواننده می‌گذارند.

۱. اومانیسیم

۱-۱. معنای لغوی اومانیسیم

«تونی دیویس» درباره معنای دقیق واژه اومانیسیم می‌نویسد: «اومانیسیم واژه‌ای است پیچیده که دامنه معنایی ممکن و بسترهای آن به طرز غیر معمولی گسترده است» (دیویس، ۱۳۹۶: ۱۲) و این پیچیدگی و گستره دامنه معنایی، ارائه یک تعریف جامع و مانع از این واژه را دشوار می‌کند. به خصوص که در ادوار مختلف، معنای متفاوتی را دربر گرفته است. برای فهم این واژه، ناگزیر از بررسی لغوی و تاریخی پیدایش آن هستیم.

کلمه «اومانیسیم» از کلمه لاتین *humanitas* گرفته شده است که برای نخستین بار در روم باستان، سیسرو و سایر متفکران برای توصیف ارزش‌های مربوط به آموزش لیبرال از آن استفاده کردند (Merriam-Webster, n.d.-a). ریشه این واژه، کلمه لاتین *Humus*، به معنای زمین یا خاک است. *Homo*، به معنای هستی زمینی و *Humanus*، به معنای خاکی یا انسانی است. این واژه در تقابل با *Divinus*، به معنای ساکنان آسمان یا خدایان قرار می‌گیرد (دیویس، ۱۳۹۶: ۳۰۵). این کلمه در دوران رنسانس ایتالیایی به عنوان *Umanista* دوباره ظاهر و در قرن شانزدهم وارد زبان انگلیسی شد. در اواخر قرون وسطی، پژوهشگران و روحانیون میان *Divinitas* حوزه‌های معرفتی نشأت گرفته از کتاب مقدس و *Humanitas* یعنی آنچه به زندگی دنیوی افراد مربوط می‌شد، تفاوت قائل شدند. از آن‌جا که این بخش دوم بر پایه مطالب روم باستان بنا شده بود و از نوشته‌های رومی الهام می‌گرفت، آموزگاران این آثار خود را *Umanisti* یا هیومنیست‌ها خواندند. این دانش شامل ریاضی، منطق، مطالعه آثار کهن روم و صنایع بیان بود که مجموع این علوم را *paideia* نامیدند (دیویس، ۱۳۹۶: ۳۰۶-۳۰۸). بنابراین واژه *Humanities*، گرچه بر علوم انسانی دلالت دارد، بر ناحیه مشخصی از دانش اشاره دارد که به طور مستقیم از مطالعات هیومنیست‌های دوره رنسانس ارث برده است (Kristeller, 1978). ذیل این واژه در فرهنگ لغت آنلاین وبستر، سه معنا آمده است:

- ۱- ارادت به علوم انسانی: فرهنگ ادبی؛
- ۲- احیای متون کلاسیک، روحیه فردگرایانه و انتقادی و تأکید بر دغدغه‌های سکولار از ویژگی‌های دوره رنسانس؛
- ۳- فداکاری در راه رفاه انسان: انسان‌دوستی (Merriam-Webster, n.d.-a).

۱-۲. معنای اصطلاحی اومانیسیم

واژه اومانیسیم و هیومنیست در اصطلاح، برای اشخاص یا نوعی طرز فکر استفاده می‌شود که توجه ویژه‌ای به انسان و ارزش‌های روحی او دارد. البته، خیلی اشتباه است که اومانیسیم قرن ۲۱ را با اومانیسیم تعلیمی قرن ۱۵ یکی بدانیم (Kristeller, 1978: 588) شایان ذکر است که اومانیسیم مدّ نظر در این پایان‌نامه، اومانیسیم سکولار قرن ۲۰ به بعد است. آملی به نقل از *دانشنامه پل /دوارز* می‌نویسد: «اومانیسیم فلسفه‌ای است که ارزش یا مقام انسان را ارج نهاده، او را میزان و معیار همه چیز قرار می‌دهد و سرشت، علایق و طبیعت آدمی را به عنوان موضوع می‌نگرد

(ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۶: ۶۱). وی تأکید می‌کند که اومانیسیم، نظام فکری و اعتقادی مشخصی ندارد. بنابراین، برای تعریف آن بر مؤلفه‌هایش تأکید می‌کند: «تعریف اومانیسیم باید شامل ردّ الوهیت و تأکید بر رفاه و آزادی انسان باشد...؛ به طور کلی، هدف اومانیسیت‌ها، شادی و خودشکوفایی است. اومانیسیت‌ها به یک زندگی خودتعریف، معنادار و شاد اهمیت می‌دهند. در واقع جهان‌بینی یا موضع فلسفی خودبنیادی است که بشر را در تقابل با خدا قرار می‌دهد و ارزش انسان را ذاتی او می‌داند و به دنبال شادی و کامیابی دنیوی انسان‌هاست. در این اندیشه، خدا ملاک و میزان نیست، بلکه محور خواست انسان است؛ چرا که ماوراء و متافیزیک انکار می‌شود.» (همان)

۳-۱. بستر شکل‌گیری اومانیسیم

اومانیسیم از قرن چهاردهم در ایتالیا شکل گرفت، در قرن پانزدهم به بلوغ رسید و در قرن شانزدهم سراسر اروپا را فراگرفت (Kristeller, 1978). این جنبش در واکنش به آخرت‌گرایی افراطی کلیسای مسیحی و فساد گسترده در نهادهای دینی ظهور کرد. رنسانس را به‌عنوان بستر پیدایش و رشد اومانیسیم می‌توان شناخت. آخرت‌گرایی افراطی کلیسای مسیحی و ترک دنیا، اعمال ناشایست و سودجویانه سردمداران مسیحیت، مردمان آن زمان را واداشت تا در مقابل خدایی که کلیسای مسیحی به آن‌ها ارائه می‌داد، قد علم کنند و با تکیه بر استعدادهای خود، دست به زایشی جدید بزنند و از هر چه به‌اصطلاح آسمانی بود، رویگردان شوند (صانع‌پور، ۱۳۸۸). «ویل دورانت» توضیح می‌دهد که «حیثیت اومانیسیم چندان زیاد شد که کلیسا توان مقابله با آن را نداشت و در صورت مقابله، جایگاه خودش به خطر می‌افتاد» (دورانت، ۱۳۸۵: ۴۰۵). کلیسا مجبور به سازش شد و پاپ نیکولاس پنجم، از اومانیسیم استقبال کرد (همان). در ادامه، «نیچه» مرگ خدا را اعلام کرد (کنگرانی فراهانی، ۱۳۹۶) و «آگوست کنت» الهیات را متعلق به دوران جهالت دانست (اشتهاردیان و گوگانی، ۱۴۰۰). در نهایت، برای پاسخ به نیاز معنوی بشر، «دین انسانیت» شکل گرفت که انسانیت را جایگزین پرستش خدا می‌کرد... فلسفه کنت و «دین انسانیت» او باعث ظهور جنبش‌های دینی سکولار گوناگونی شده است (جانسون، ۱۳۸۷). این سیر تحوّل، نشان‌دهنده گذار تدریجی از الهیات به انسان‌مداری در تاریخ فکر غرب است. در یک نگاه اجمالی، اومانیسیم (انسان‌گرایی) به‌طور کلی به سه دوره تاریخی و سه نوع متفاوت تقسیم می‌شود:

۱-۳-۱. اومانیسم رنسانس

جریان فلسفی و فرهنگی از نیمه دوم قرن چهاردهم (حدود سال ۱۳۴۰) در ایتالیا آغاز شد و تا قرن شانزدهم (حدود ۱۵۰۰-۱۶۰۰) ادامه داشت. هدف آن احیای ارزش‌های انسانی با بازگشت به متون کلاسیک یونان و روم بود و تأکید بر شکوفایی و آزادی از قیدهای دینی قرون وسطی داشت.

۱-۳-۲. اومانیسم دینی

تلفیقی از عقل و ایمان است، از قرون وسطی تا اوایل دوره رنسانس (حدود قرن ۱۱ تا ۱۵) رواج داشت. متفکران این دوره سعی می‌کردند که فلسفه‌های کلاسیک را با آموزه‌های دینی مسیحیت سازگار کنند.

۱-۳-۳. اومانیسم سکولار

این شکل از اومانیسم که بر پایه عقل، علم، اخلاق سکولار و ردّ ماوراطبیعت‌گرایی استوار است، از قرن بیستم و به‌ویژه دهه ۱۹۳۰ میلادی رواج یافت. این مکتب به‌عنوان جایگزینی برای جهان‌بینی مطرح شد و بر مسئولیت انسانی و زندگی دنیوی ریشه داشت.

۱-۴. مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها

برای شناخت اومانیسم سکولار و تأثیر آن بر ادبیات، بررسی اصول مشترک اومانیست‌ها ضروری است. این اصول در بیانیه‌های جمعی آنان منعکس شده است که طی ۷۰ سال سه بار بازنگاری شده‌اند (Wilson, Kurtz, 1973). آنان اذعان دارند که دیدگاه‌شان قطعی و تغییرناپذیر نیست و با ظهور اندیشه‌های جدید، قابل تجدیدنظر است. با این حال، در عصر خردورزی، ترجیح می‌دهند به‌جای تکیه بر راهنمایی الهی، مسیر آزمون و خطا را طی کنند تا به نتیجه برسند. بنابراین، همواره در حال تحوّل و بازتعریف خود هستند. اسناد بنیادین اومانیست و اهداف آن در قالب بیانیه (مانیفست) هایی منتشر شده‌اند. معروف‌ترین این بیانیه‌ها که مؤلفه‌ها را بر مبنای آن استخراج کرده‌ایم، به ترتیب عبارتند از:

الف) بیانیه اومانیستی اول (۱۹۳۳): در نشریه نیوهیومنیزم منتشر شد و بیش از سی اومانیست مهمّ آمریکایی آن را امضا و ارائه کردند. این بیانیه مبتنی بر نظریات کسانی بود که خود را اومانیست‌های دینی می‌خواندند. با کمی تأمل درمی‌یابیم که واژه دینی را نباید با هیچ نوعی از دین سنتی که مفهوم امر فراطبیعی را می‌پذیرد، مرتبط بدانیم (جانسون و علوی‌تبار، ۱۳۸۷). این

بیانیه را «ریموند بی. برگ» ویراستاری کرد (Bragg, 1933).

ب) بیانیه اومانستی دّوم (۱۹۷۳): در اکتبر ۱۹۷۳ میلادی توسط پاول کورتز و ادوین اچ ویلسون نوشته شد و مانیفست قبلی را به‌روز کرد. افراط‌گرایی نازیسم و جنگ جهانی دّوم نشان داد که مانیفست اوّل بیش از حد خوش‌بینانه بوده است. بنابراین، اومانست‌ها تغییراتی را در بیانیه جدید خود ایجاد کردند تا رویکردی واقع‌گرایانه‌تر و کامل‌تر از نسخه قبلی ارائه دهند (Wilson & Kurtz, 1973).

ج) بیانیه اومانستی سوّم (اومانیسم و آرزوهای آن، ۲۰۰۳): این بیانیه را با عنوان «اومانیسم و آرزوهای آن»، انجمن اومانست آمریکا (American Humanist Association, 2003) منتشر کرد. در تحلیل اومانیسم، تمرکز اصلی بر شاخصه‌هایی است که با فرهنگ و معارف اسلامی در تضاد بوده و می‌توانند موجب انحراف در تربیت دینی کودکان و نوجوانان شوند. هر چند اومانیسم دستاوردهای مثبتی مانند آموزش همگانی، مبارزه با تبعیض نژادی، حفاظت از محیط زیست، تشویق به علم‌آموزی و تقویت روحیه همکاری دارد، این موارد را نمی‌توان مختصّ به اومانیسم دانست؛ زیرا پیش از ظهور این جریان، بسیاری از ادیان و فرهنگ‌ها - به‌ویژه اسلام - بر این اصول تأکید داشته‌اند. بنابراین، در این بررسی عمدتاً به جنبه‌های چالش‌برانگیز اومانیسم که می‌تواند نگرش توحیدی را تحت تأثیر قرار دهد، پرداخته شده است.

۱-۴-۱. خدای بدون مداخله

ایمان به خدا، پایه جهان‌بینی اسلامی است. مسلمانان به خالقی یگانه، شنوا، بینا، توانا، دانا و روزی‌رسان ایمان دارند، که لحظه‌به‌لحظه امور بندگان را در دست دارد و کلّ عالم در ید قدرت اوست. تقدیر می‌کند و جاری می‌سازد، دست او بسته نیست. بنابراین، می‌تواند مشیت سابق خود را برهم زند و طرحی نو براندازد. از همین رو، بندگان را به دعا و نیایش و درخواست از درگاهش فراخوانده است: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر: ۶۰)؛ و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

پیداست که صحت کنش‌ها و گرایش‌های انسان به میزان معرفت و بینش وی بستگی دارد. اومانست‌ها در اعتقاد به خدا، دارای طیفی گسترده هستند که از نفی مطلق وجود خدا تا قبول خالقی که دنیا را خلق کرده است، اما اکنون هیچ تقدیر، مشیت و اراده‌ای در کنترل آن ندارد، تقسیم می‌شوند. ایمان نداشتن به خدای متعال، به‌وضوح در مانیفست اوّل بیان شده است: «ما

معتقدیم که زمان خداباوری، دئیسم، مدرنیسم و... گذشته است» (Bragg, 1933: 1). پس خالق دنیا کیست؟ پاسخ، تصادف است. اومانیسم معتقد است انسان جزئی از طبیعت است و در نتیجه یک روند مستمر پدید آمده است (همان). اومانیست سکولار معتقد است خدا آفریننده انسان نیست، بلکه آفریده اوست و خلقت، محصول فرایند دراز مدت تکامل است که از تشکّل و به هم پیوستگی اتم‌ها ایجاد شده است و این‌گونه نیست که از روی طرح و تدبیر خالق، ایجاد شده باشد (توکلی، ۱۳۸۲).

این نظریه خود منتقدانی دارد؛ مانند دکتر لی اسپتتر که در آثارش اشتقاق‌گونه‌ها از یک نیای مشترک را قصه‌ای دور از واقع می‌خواند. فارغ از این‌که این نظریه قابل اثبات است یا خیر، لازم است توجه کنیم که با خداباوری تناقضی ندارد؛ چرا که نخست می‌توان فرض کرد خداوند مسیر آفرینش را چنین طراحی کرده و آغازگر خلقت و برنامه‌ریز این عالم بوده است. همچنین، بر فرض این‌که تکامل را در گونه‌های بسیاری از جانداران بپذیریم، این امر مانع از آن نیست که خداوند یک‌گونه به نام انسان را به نحو دیگری خلق کرده باشد (ر.ک: رضوی، ۱۳۹۵). آن‌ها در دومین مانیفست خود نیز باز به همین نظریه تکامل طبیعی اشاره کرده و می‌نویسند: «نوع انسان برآمده از نیروهای تکاملی طبیعی است» (Wilson & Kurtz, 1973: 6). آنچه باید به آن دقت کرد این است که اومانیست‌ها به مرور نظرشان را تعدیل کرده و دیگر حرفی از رد خالق یا مسائل معنوی ندارند (نک. اشتهدریان و گوگانی، ۱۴۰۰). گاه ممکن است وجود خالق را قبول کنند، اما وی را خالق می‌دانند که خلق کرده و به حال خود رها کرده است و توان یا قصد دخالت یا کمک در امور مخلوقاتش را ندارد. در واقع، مداخله الهی را در امور مخلوقات نفی و به خالق غیرمؤثر ایمان دارند. مانند نظریه ساعت‌ساز لاهوتی یا خدای ساعت‌ساز، چنانکه در بیانیه دوم آمده است: «اومانیست‌ها هنوز معتقدند که ایمان به خدای شنوا که مراقب زندگی افراد است و درک‌کننده دعاها و آرزوهای آنان است و توانایی انجام کاری برایشان را دارد، اثبات نشده و منسوخ است» (Wilson & Kurtz, 1973: 4). واضح است که در این حالات چه وجود آفریننده انکار شود چه ربوبیت و تقدیر و مشیت وی، نتیجه این است که عالم بیکرانی که می‌پندارند تصادفی به وجود آمده، هدفمند هم نخواهد بود: «ما نمی‌توانیم هیچ هدف یا مشیت الهی را برای نوع بشر کشف کنیم...» (Wilson & Kurtz, 1973: 2). این نظر مخالف عقیده خداباورانی است که در قرآن چنین یاد شده‌اند: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (آل عمران: ۱۹۱)؛ آنان که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد

می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای.

درعین‌حال، اومانیسیت‌ها اصرار دارند که «شواهد کافی برای وجود هدف الهی برای جهان وجود ندارد. آن‌ها این نکته را رد می‌کنند که خدا به طور معجزه‌آسا در تاریخ مداخله کرده است» (Kurtz, 1980: 4)؛ بنابراین نه تنها به معجزه باور ندارند، به دعا و درخواست از خدا نیز اعتقاد ندارند.

۲-۴-۱. انسان محوری

طبیعی است که سگان عالم را ناخدایی لازم است. اومانیسیم خدا را از سلطنت عزل کرده، خود را به جای او می‌نشانند. محور که انسان شد، خالق ارزش‌ها نیز می‌شود و آنچه باعث شادی و لذت و بهره‌مندی‌اش باشد، نیک و هر امری که او را محدود کند و سبب کم‌شدن لذت‌هایش شود، شر محسوب می‌گردد؛ بنابراین هدف یک اومانیسیم از انجام کار می‌تواند دو چیز باشد: (۱) کسب لذت بیشتر و (۲) کسب منفعت گسترده‌تر.

لذت محوری: در مکاتب لذت‌گرا، بر این باور تأکید می‌شود که انسان ذاتاً موجودی لذت‌جوست و لذت دارای ارزش ذاتی است. این مکاتب، سعادت انسان را در گرو برخورداری هرچه بیشتر از لذات می‌دانند و معتقدند رسیدن به لذت، کمال انسان را رقم می‌زند (گرامی، ۱۳۸۴، به نقل از امین خندقی و محمدیان، ۱۳۹۰: ۱۹۸). اومانیسیت‌ها نیز با همین نگرش، شادی و تحقق خلاقانه نیازهای بشری را از هدف‌های اصلی خود می‌دانند (Kurtz & Wilson, 1973: 2).

اصالت لذت سبب می‌گردد آنچه لذت‌بخش است خوب و حق و آنچه دردآور است، باطل و بد باشد... هیچ چیز دیگری جز لذت دارای ارزش ذاتی نیست (اشتهداریان و گوگانی، ۱۴۰۰: ۷۵). «لرنزو والا» در کتاب *خوش‌گذران* استدلال می‌کند که لذت، فایده‌ای انحصاری برای انسان است و فعالیت‌های انسانی در نهایت، به تولید لذت می‌انجامد. به گفته او، قوانین اجتماعی نیز به دلیل سودمندی و نقش آن‌ها در ایجاد لذت، وضع شده‌اند. والا حتی علوم و هنرهایی مانند پزشکی، حقوق و شعر را نیز در خدمت لذت و سودمندی می‌داند (صانع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۷). این دیدگاه، لذت محوری را در جایگاهی بالاتر از منفعت‌طلبی قرار می‌دهد و آن را هدف نهایی زندگی انسان معرفی می‌کند. اومانیسیت‌ها با نگرش مادی‌گرایانه به انسان، معتقدند

که سرنوشت او در همین جهان مادی رقم می‌خورد و بنابراین، باید حداکثر بهره‌مندی را از لذات دنیوی داشت. از این‌رو، هرگونه ریاضت یا محدودیت دینی که مانع لذت‌جویی شود، رد می‌شود (نوری ممبئی و هاشمی، ۱۳۹۴). در نهایت، اومانیسم حتی دین را نیز در خدمت لذت و شادی انسان تعریف می‌کند. در نخستین بیانیه اومانیست‌ها آمده است که دین باید برای افزایش شادی و رضایت از زندگی تلاش و خلاقیت و دستاوردهای انسانی را تقویت کند (Bragg, 1933: 2). بر این اساس، همه چیز - اعم از دین، قانون، هنر و علم - در خدمت انسان و وسیله‌ای برای رسیدن به لذت و خوشبختی اوست. این نگرش، انسان را محور همه ارزش‌ها می‌داند و لذت‌جویی را غایت نهایی زندگی بشری معرفی می‌کند.

منفعت‌طلبی: یکی از تبعات اومانیسم، نظریه پراگماتیسم است که حقیقت را بر محور انسان و عمل او ارزیابی می‌کنند. در عصر کلاسیک یونان، پروتاگوراس گفته بود که انسان، میزان و معیار همه چیز است. هر چیزی که برای انسان در عمل مفید است، حقیقت است. ولی معلوم نیست کدام انسان معیار حق و باطل است... این‌جاست که آزادی فردی اوج می‌گیرد. هیچ‌کس نمی‌تواند آزادی دیگری را محدود کند. هر که زورش بیشتر، آزادتر و میدان تاخت‌وتازش گسترده‌تر خواهد بود. حق و باطل، معیار ثابتی نخواهند داشت و ارزش‌ها بسته به تفاوت سلیقه‌های مردمان، متعدد و یا گاه تباین خواهند شد (بهشتی، ۱۳۸۲).

پراگماتیسم در واقع تجربه و ثمره عملی، ملاک حق و باطل و حقیقت هر چیزی در جهان قلمداد شده است... از نظر پیرس یک اندیشه زمانی درست شمرده می‌شود که کارایی داشته باشد. برای مثال، از نظر اجتماعی مفید باشد... جیمز مدعی شد که حقیقت چهره‌ای از خوبی‌ها و سودمندی‌ها در اندیشه انسان است. قضیه‌ای حقیقت دارد که از نظر انسان سودمند و دارای فایده عملی باشد... هیوم نیز ارزش معرفت را به جنبه عملی آن منحصر می‌کند (اشتهدریان و گوگانی، ۱۴۰۰: ۱۱۸-۱۲۳).

طبق نظریه پراگماتیسم، حقیقت هر چیز امری نسبی و وابسته به سودمندی آن است. نسبت‌گرایی یکی از پایه‌های اصلی نگرش پراگماتیسم است که می‌توان تمامی اصول مربوط به این فلسفه را با استناد به آن درک کرد، زیرا هیچ چیز مطلقاً در جهان حقیقت، اخلاق، علم و... از دیدگاه این مکتب وجود ندارد و تغییر مهم‌ترین اصل حاکم بر جهان است (زارع، ۱۳۹۱). پیامد این عقیده آن است که هیچ ارزش و آرمان مشترکی بین همه انسان‌ها وجود ندارد و هر کس هر چه را دوست دارد «خوب» می‌نامد. ... تأکید بر نسبییت اخلاقی، پیامدهای مهمی در پی دارد

که مهم‌ترین آن‌ها این است که انسان را از همه قیود اخلاقی و ارزش‌های انسانی آزاد می‌کند و سرکشی در مقابل فرمان‌های اخلاقی و دینی را مجاز می‌شمرد (رضایی تالارپشتی، ضمیری و جمشیدی، ۱۳۹۷). ارزش اخلاقی در فلسفه پراگماتیسم به‌طور کامل ساخته و پرداخته انسان و جوامع انسانی بوده و الاهیات و وحیانیات در آن راهی ندارد. اخلاقیات و ارزش‌های اخلاقی نیز مانند سایر مفاهیم پراگماتیسم از درجه بالایی از نسبیّت و انعطاف‌پذیری برخوردار هستند (زارع، ۱۳۹۱)؛ اما در اسلام، علّت اعمال کسب رضایت خداوند و قرب الهی است. بنابراین، ممکن است انسان از حق خودش بگذرد و از کسی که قاتل فرزندش است، دیه طلب نکند. این کار مخالف منفعت‌طلبی دنیا محور اومانیزم است؛ اما بخشش و گذشت، انفاق، ایثار و امثال آن رفتارهایی هستند که با منفعت‌طلبی در تضادند. خویش‌داری از لذّات حرام، چشم‌پوشی از منافع حرام همچون ربا و دزدی و... همه با یک هدف والاتر رخ می‌دهند که آن اطاعت امر پروردگار است.

۳-۴-۱. خودمحوری

انکای مطلق انسان به خود و احساس بی‌نیازی از خداوند، حاصل برداشت اشتباه است که شناخت و آگاهی را صرفاً در عقل و احساس انسان به‌عنوان سوژه محدود کرده‌اند. این «خودتئانگاری» و «خودبنیادانگاری» انسان را در جهانی رها می‌کند که عقل و احساسش راهی به حقیقت ندارد و این نقیض غایت‌انگاری انسان است (صانع‌پور، ۱۳۸۸: ۱۸۲). در اومانیزم، رابطه بین «منبع بودن انسان در ارزش‌گذاری» و هدف اصلی آن، یعنی «خدایی کردن انسان» آشکار می‌شود؛ زیرا با تأکید بر یگانگی انسان و قدرت مطلق او در ارزش‌گذاری و مالکیت زندگی، در واقع مقام خدایی به او تفویض می‌گردد (نوری ممبئی و هاشمی، ۱۳۹۴). اومانیزم‌ها انسان را تنها نجات‌دهنده جهان می‌دانند که به قدرت خود متکی است. این دیدگاه در بیانیه‌های اومانیزمی بارها تکرار شده است؛ از جمله در نخستین بیانیه: «انسان بالاخره می‌فهمد که تنها مسئول تحقق رؤیاهایش است و این قدرت را در خود دارد.» (Bragg, 1933: 3) همچنین در بیانیهٔ سوّم (اعلامیه آمستردام) آمده است:

«مسئولیت زندگی و دنیای ما، تنها برعهدهٔ خودمان است» (Humanists International, 2002: 2)؛

همچنین (American Humanist Association, 2003) آنان با خوش‌بینی به عقل انسان، تکیه می‌کنند و می‌گویند: «اومانیزم سکولار به شعور انسان اعتماد می‌کند تا به هدایت الهی»

(Kurtz, 1980: 5). اگرچه قرآن نیز بر عاملیت انسان در تغییرات تأکید دارد:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)؛ در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند؛ اما دعا و توکل پشتوانه انسان است؛ در حالی که انسان اومانیسیت تنهاست؛ چنانکه در بیانیه دوم تصریح شده است: «هیچ خدایی ما را نجات نمی‌دهد. ما باید خود را نجات دهیم.» (Wilson & Kurtz, 1973: 2). «از منظر اومانیسیم، فرد نه تنها به صورت مستقل استعدادهایش را فعلیت می‌بخشد، بلکه غایت وجودی خود را نیز تعیین می‌کند. این خودبستگی مطلق، در سه حوزه خودفعلیتی، خودصیانتی و خودرفعتی، انسان را در تنهایی مطلق قرار می‌دهد که به اضطراب افراطی می‌انجامد» (صانع‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲). نکته اول (با مراجعه به عقل سلیم می‌توان دریافت که انسان موجودی به خود وانهاد نیست، بلکه تحت پوشش ربوبیت الهی است و هیچ‌گاه از هدایت‌های آسمانی بی‌نیاز نخواهد بود) (رجبی، ۱۳۷۹: ۴۶) و نکته دوم، به اعتراف همه حکما «وظیفه عقل ادراک مفاهیم کلی است و این نوع ادراک و شناخت در چگونگی زندگی در دنیا و ارتباط جزئیات آن با آخرت مفید فایده نیست، بلکه مقتضای حکمت الهی آن است که از طریق وحی به معرفی ارتباط جزئیات دنیا با آخرت بپردازد. بر این اساس، بشر هیچ‌گاه از وحی و پیام‌آوران الهی بی‌نیاز نخواهد شد و پیوسته محتاج تذکار وحی پیامبران و جانشینانش خواهد بود.» (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۵: ۷۷-۸۹). واقعیت این است که جایگاه عقل و علم هر دو نزد مسلمانان بسیار رفیع و ارزشمند است. چنانچه در قرآن مجید بارها به تفکر دعوت و واژه علم و مشتقات آن بیش از ۷۰۰ بار ذکر شده است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُئِمَّةُ عَ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۶). (خداوند را بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی پنهانی و درونی. «حجت آشکار» رسولان و پیامبران و امامانند و «حجت باطنی» اندیشه است). بنابراین، با حفظ احترام عقل و عاملیت انسان، اسلام وی را در طی مسیر سعادت تنها نمی‌داند و او را از هدایت رسولان و ارتباط با عالم معنا بی‌نیاز نمی‌شمارد.

۴-۱. انکار ادیان الهی

اومانیسیت‌ها معتقد بودند زمان دین گذشته و باید تغییر کند، ادیان بی‌کفایتند و منسوخ شده و کارایی خود را از دست داده‌اند. در بیانیه نخست اشاره می‌شود که «ما اشکال مذهبی و عقاید پدرانمان را دیگر کافی نمی‌دانیم.» (Bragg, 1933: 5) زمان شناخت گسترده و تغییر اساسی

باورهای مذهبی فرارسیده است و اکنون زمان تغییر در باورهای سنتی گذشته است... دین در حل مشکلات قرن بیستم ناتوان است (Bragg, 1933: 1) «...حتی توصیه می‌کنند از آموزش مذهبی به کودکان جلوگیری شود؛ زیرا ذهن‌های جوان نباید پیش از بلوغ فکری تحت تأثیر ایمان قرار گیرند (Kurtz, 1980: 4) پس از به انزوا کشاندن دین نوبت به ذبح شرایع می‌رسد: «طبیعت جهان که توسط علم مدرن به تصویر کشیده شده است، هر گونه تضمین ارزش‌های ماورایی و فراطبیعی را غیرقابل قبول می‌کند.» (Bragg, 1933: 2) آن‌ها معتقدند اخلاق منشأ تجربی دارد و نیازی به تأیید ادیان ندارد (Kurtz & Wilson, 1973: 3).

با این حال، «در طول تاریخ، مواضع اومانیسیم دستخوش تغییر شده است؛ از مخالفت شدید با دین تا نزدیکی نسبی با برخی اصول اخلاقی دینی» (اشتهدریان و گوگانی، ۱۴۰۰: ۶۱). در مانیفست دوم، هرچند نقش دین در الهام‌بخشی به اخلاق پذیرفته می‌شود، ادعا می‌شود که دین انسان را از شکوفایی کامل باز می‌دارد (Kurtz & Wilson, 1973: 4). سکولارهای اومانیسیم نیز، هر چند تسلی‌بخش بودن دین را می‌پذیرند، ادعاهای الهیاتی ادیان را رد می‌کنند و رسالت انبیایی مانند موسی و محمد را نامعتبر می‌دانند (Kurtz, 1980: 4).

۵-۴-۱. انکار ماوراءالطبیعه

اومانیسیم تنها ساحت ماده را واقعی می‌داند و هرگونه وجود فراطبیعی مانند فرشتگان، شیاطین و اجنه را زاده تخیل می‌پندارد (توکلی، ۱۳۸۲). انسان خودمختار در این دیدگاه، با انکار خالق و وحی الهی، خود را در قفس عالم مادی محبوس می‌کند و هر آنچه را خارج از حوزه آزمایش و مشاهده باشد، رد می‌کند. این نگرش نه تنها متافیزیک، بلکه حتی شناخت کامل عالم مادی و خود انسان را نیز ناممکن می‌سازد؛ چنانکه «الکسیس کارل» در *انسان موجود ناشناخته*، به این ناتوانی اشاره کرده است. اومانیسیم با انکار روح، جاودانگی و حیات پس از مرگ، مرگ را پایان قطعی انسان می‌داند و مفاهیمی مانند بهشت و جهنم را موهوم می‌خواند (همان). اومانیسیت‌ها با رد ماورا، سه حوزه اصلی را منکر می‌شوند: وجود روح مجزا، معاد و لوازم آن و عالم لاهوت. بیانیه‌های اومانیسیتی تصریح می‌کنند که هیچ شواهد علمی برای ماوراءالطبیعه وجود ندارد (Kurtz & Wilson, 1973).

در مقابل، نگرش اسلامی با اعتقاد به معاد و ترقی پس از مرگ، امید و انگیزه اصلاح را در انسان زنده نگه می‌دارد. این باور نه تنها از نظر عقلی و نقلی مستند است، بلکه برای آرامش

روانی، پابندی به ارزش‌ها و عدالت اجتماعی نیز ضروری می‌نماید. اعتقاد به معاد می‌تواند نقش مهمی در کنترل ظلم و ایجاد امیدواری در زندگی انسان داشته باشد.

۶-۴-۱. آزادی

بحث آزادی از چالش‌برانگیزترین مباحث اومانیسیم است. اومانیسیت‌ها آزادی را حقّ ذاتی انسان می‌دانند و هرگونه محدودیت دینی بر آن را رد می‌کنند. آن‌ها حتی همجنس‌گرایی، سقط جنین، اکتشاف جنسی و خودکشی را از مصادیق آزادی فردی می‌شمارند (Kurtz & Wilson, 1973). چرایی این عقیده در زیربنای آن است؛ اینکه اومانیسیت‌ها حقوق را ذاتی انسان می‌دانند و نه اعطای خداوند. بنابراین، هیچ‌کس حتّی خدا، حق امر و نهی و تعیین حدود بر این حقوق از جمله آزادی را ندارد. سارتر می‌گوید: «به این دلیل که انسان آزاد است، من می‌گویم خدایی نباید باشد؛ چون اگر خدایی باشد، انسان دیگر آزاد نیست» (صالحی و محرابیان، ۱۳۸۷: ۱۵۲)؛ یعنی به‌گونه‌ای آزادی را اصل می‌داند که وجود خدا را به‌واسطه حفظ آزادی منکر می‌شود. آخرین بیانیه (اعلامیه آمستردام) اعلام می‌کند: «ما معتقدیم با هر کسی به‌صورت شخصیتی دارای ارزش و منزلت ذاتی رفتار کنیم و در زمینه آزادی همگام با مسئولیت، انتخاب‌های آگاهانه انجام دهیم... ما برای حمایت از برخورداری برابر از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در یک جامعه باز و سکولار، تلاش می‌کنیم (Humanists International, 2002). احترام به حقوق دیگران یکی از تأکیدات عقلی است. اما این که حقوق ذاتی انسان‌ها هستند، جای بحث و تأمل دارد. انسان خالقی دارد که او را جان داده و آن به آن به او روزی می‌دهد. آنچه انسان دارد همه به تملیک و عطای خداست؛ بنابراین چون دارایی‌های انسان حتّی وجودش به استقلال از آن او نیست و خدا به آن‌ها املک است، حق تعیین چگونگی استفاده از این امکانات با خداست.

به عبارتی، چون خداوند ربوبیت تکوینی دارد، این ربوبیت عقلاً او را در عالم تشریح صاحب‌اختیار و صاحب حق می‌کند و حق تعیین هنجار و حق مطاع واقع‌شدن را در پی دارد (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۸۲).

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (آل عمران: ۲۶)؛ بگو: «بارالها، ای دارنده پادشاهی، به

هر که خواهی پادشاهی بخشی و از هر که خواهی، پادشاهی بازستان، و هر که را خواهی، عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی. همه خوبی‌ها به دست توست، و تو بر هر چیزی توانایی.» بنابراین این حق شرع است که آزادی انسان را حد بزند. از طرفی، آزادی در اسلام به معنای حریت و رهایی از اسارت نفس و شیطان است و آزاده کسی است که با عبادت الله، از عبادت هر آنچه پست و بی‌ارزش است، رها شود.

۲. بررسی نمونه‌ها

در این بخش، به نمونه‌های به‌دست آمده از کتاب‌های پرفروش ترجمه‌شده در شش سال اخیر اشاره می‌کنیم. به‌علت اختصار، به چند نمونه بسنده شده است.

۲-۱. خدای بدون مداخله

در *خانه درختی ۳۹ طبقه*، نویسنده به نحوه آفرینش دنیا اشاره دارد. در قسمت از بین رفتن دنیا، در تصویر، عبارت «بنگ بینگ» نوشته شده است؛ به این معنا که دنیا با یک «بیگ‌بنگ» آغاز شده و با عکس آن - یعنی «بنگ بینگ» - از بین می‌رود و به تعبیر داستان «ضد اختراع» می‌شود. پس از نابودی حیات، اندی تصمیم می‌گیرد دنیا را دوباره خلق کند: «تری می‌گوید: ... کافیه با یه بیگ‌بنگ شروع کنی، یه کمی فضا، چند تریلیون خورشید ... من تماشا می‌کنم و تری ستاره‌ها، سیاره‌ها و قمرها را می‌کشد...» (گریفیتس، ۱۳۹۴-ج: ۲۹۰-۲۹۴).

در داستان *خانه درختی ۶۵ طبقه* به «نظریه تکامل» برمی‌خوریم. اندی و تری که به میلیون‌ها سال قبل سفر کرده‌اند، با لجن‌هایی مواجه می‌شوند که به شکل خودشان است (گریفیتس، ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۱۶) و در سفرهای متعدد به قرون مختلف در قالب میمون، تزار روس و... خودشان را در حال تکامل می‌یابند. در *ماتیلدا*، وی باید به تنهایی در مقابل مشکلات قد علم کند. خبری از استمداد الهی یا کمک خدا وجود ندارد. اتفاقاً او موفق است و احتیاجی به حامی الهی ندارد. حتی استمداد عجیبی که در چشمان او نهفته و یا هوش سرشارش موهبت خدادادی یا الهی معرفی نمی‌شود. برعکس، طلب کمک از خدا، دیالوگ شخصیت منفی و نادان داستان است؛ وقتی خانم ورم‌وود ترسیده، داد می‌زند: «ای خدا! به دادمان برس!» (دال، ۱۴۰۰: ۷۱). توسل و درخواست از خدا در اوج مشکلات حالتی برخاسته از فطرت است: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (عنکبوت: ۶۵)؛ و چون در کشتی سوار شوند، خدا را با اخلاص در دین می‌خوانند.

این ویژگی فطری در نهاد یک انسان اومانیست انکار می‌شود، حتی آنجا که بلایا یادآور او می‌شوند، فطرتش را پنهان کرده، به جای خواندن خدا، واژه‌ای دیگر جایگزین می‌کند. عبارت "Oh my gosh" را جایگزین "Oh my God" قرار می‌دهد. این واژه را اغلب افرادی استفاده می‌کنند که ترجیح می‌دهند از منابع مذهبی در زبان خود استفاده نکنند و این راهی برای انتقال احساسات قوی بدون استناد به اصطلاحات مذهبی است. در نسخه اصلی کتاب خانه درختی ۹۱ طبقه، «جیل» از این عبارت استفاده کرده است؛ اما در زبان فارسی آن را «خدا» ترجمه کرده‌اند (گریفیتس، ۱۳۹۶: ۸۰).

۲-۲. خودمحوری

به عنوان مثال، در *ماتیلدا* اثر «رولد دال»، ماتیلدا با تکیه بر هوش خارق‌العاده و قدرت‌های ذهنی خود، بر مشکلات و ظلم‌های موجود در زندگی‌اش غلبه می‌کند. سیر داستان نشان‌دهنده تأکید شدید بر توانایی‌های فردی است. *داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز*، متشکل از خلاصه‌های یک صفحه‌ای شامل شرح حال بانوان مختلف از کشورهای گوناگون است. در بخش‌های متعددی از این کتاب، مخاطب تشویق به خودباوری، شکستن هنجارها و پیگیری آرزوها می‌شود و نه تنها حرفی از توکل، دعا و توسل برای رسیدن به خواسته‌ها نیست که توصیه می‌شود هر محدودیتی بی‌قید و شرط کنار گذاشته شود و تنها به تلاش برای رسیدن به آرزوها ادامه دهند. بخش‌هایی از کتاب در ادامه می‌آید: «مسیر دیگران را دنبال نکن. به جایی برو که مسیری در آن نیست و راه جدیدی ایجاد کن.» (فاویلی و کاوالو، ۱۳۹۷: ۷۷) «تحت فرمان کسی نبودن بسیار لذت‌بخش‌تر از حکمرانی بر تمام جهان است.» (همان: ۱۱۵)

در کتاب، جمله‌ای از «والری» نقل می‌شود که مؤکد این خودمحوری در تقابل خدامحوری است: «اول مشخص کن چه می‌خواهی، سپس برایش مبارزه کن و بدون هیچ محدودیتی زندگی کن. اگر تنها با قوانین جلو بروی و فقط از دیگران اطاعت کنی، هرگز در نمی‌یابی که چه می‌خواهی.» (همان: ۱۸۲)

۲-۳. منفعت‌طلبی

ماتیلدا برای انتقام از پدر، نقشه‌های مختلفی می‌کشد و به قول نویسنده، والدینش را گوشمالی می‌دهد. بارها بیان می‌شود که او درس عبرتی به والدینش می‌دهد و برای تنبیه والدین مردم‌آزارش نقشه می‌کشد و از این کار احساس رضایت و آرامش می‌کند: «دلپذیرترین قسمتش هم این بود

که به نظر می‌رسید نقشه‌هایش در کوتاه‌مدت کارساز است. پدرش، به‌خصوص هر بار پس از تنبیه جادویی ماتیلدا، تا چند روز از غرور و گنده‌ماغی‌اش کم می‌شد. ماجرای طوطی توی دودکش بخاری، بدون تردید پدر و مادر ماتیلدا را خیلی سرب‌راه کرده بود و آن‌ها بیش از یک هفته با دخترکشان نسبتاً مؤدب بودند...» (دال، ۱۴۰۰: ۷۲).

طلب منفعت شخصی بدون توجه به آسیب رساندن به دیگران، در بخشی از خانه درختی ۲۶ طبقه به چشم می‌خورد. اندی برای گذران زندگی پس از فرار از خانه، دزدی می‌کند و این کار «قرض کردن» نامیده می‌شود. این تعبیر در مجلدات دیگر نیز به‌جای دزدی به‌کار رفته است: «یک روز که داشت از یک رستوران گرون‌قیمت غذا قرض می‌کرد، خیلی اتفاقی میز رو برگردوند» (گریفیتس، ۱۳۹۴-ب: ۱۲۴). «پسریچه واسه قایق کرایه‌کردن پول نداشت، پس یکیشون رو قرض گرفت و...» (همان: ۱۲۶). دروغ‌گویی در سایر مجلدات نیز رواج دارد (برای نمونه، ر.ک: گریفیتس، ۱۳۹۴-الف: ۲۹).

۴-۲. لذت‌محوری

کارهای احمقانه و منزجرکننده و حتی اختراعاتی که به آسیب‌رساندن به خود شخصیت‌ها منجر می‌شود، از جمله اعمالی است که در سری خانه درختی، به‌دفعات تکرار می‌شود. اختراع یک محوطهٔ یخچال‌پرت‌کنی، اتاق آروغ و... در بازی با اژه‌برقی‌ها، اعضای بدن قطع می‌شوند، اما اتفاق ناخوشایندی نیست! خانه درختی پُر است از طبقاتی که در آن می‌توان لذت‌خطرکردن را چشید و در نهایت، خوش بود. در واقع، داستان برای زندگی‌ای که هدفی ندارد، نسخهٔ خاصی ارائه می‌دهد: لذت‌بردن از خطر بدون عاقبت‌اندیشی و میان‌مایگی و دوربودن از تعمق و در عوض، خوش بودن و لذت‌بردن از زمان حال. همچنین در یکی از مجلدات نیز تقابل لذت‌محوری را با اصل دفع خطر احتمالی، به‌وضوح می‌بینیم (گریفیتس، ۱۳۹۸: ۳۴۲). در بخشی از داستان، اندی و دوستان در جزیره‌ای متروک گیر افتاده‌اند. آن‌ها برای نجات، موقعیت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند؛ اما لذت‌محوری و بی‌فکری تری و بچه‌ها، همهٔ این موقعیت‌ها را به‌هدر می‌دهد. سه آرزوی غول چراغ جادو برای تولید آب‌نبات‌های بزرگ تمام می‌شود و جواب همیشگی «تری» که بر پایهٔ لذات شخصی غالباً شکل می‌گیرد، این است که: «نیمهٔ پر لیوان را بین اندی! درسته که توی یه جزیره گیر کردیم، ولی اقلأ همه آب‌نبات داریم» (گریفیتس، ۱۳۹۶: ۱۴۴). این جمله که در موقعیت‌های مختلف در مجلدات دیگر نیز تکرار می‌شود، پایه تفکر لذت‌محور «تری» است.

برای او، نیمهٔ پر با لذت بیشتر برابر است.

در داستان جودی دلمه‌می، «استینک» برادر کوچک جودی، به شکل‌های مختلف توسط او و دوستانش مورد آزار قرار می‌گیرد. علت این کارها، اغلب حسادت به استینک یا سربه‌سر گذاشتن به قصد تفریح و شوخی است که در هر دو صورت می‌تواند زیرشاخهٔ لذت‌محوری واقع شود. «استینک شهاب‌سنگی پیدا کرده است. جودی که آن سنگ را خرد می‌کند. استینک می‌گوید: ولی این‌که دیگه شهاب‌سنگ نیست! جودی می‌گوید: ولی حالا چیز بهتری پیدا کردی. استینک پرسید: چی بهتر از یک شهاب‌سنگ است؟ جودی گفت: یک عالمه شهاب‌خاک! و باراکی هرهر خندید» (مک‌دونالد، ۱۳۸۶: ۵۳).

در قسمت دیگری از داستان جودی که به برادرش به خاطر رفتن به موزه پایتخت حساسی حسودی می‌کند، تصمیم می‌گیرد با حقه دستِ مصنوعی از او انتقام بگیرد. «بامزه‌ترین اتفاقی که برایم افتاده، فکر کرد: همان شبی که محکم به دیوار اتاق استینک مشت کوبیدم و حساسی ترساندمش.» (مک‌دونالد، ۱۳۸۶: ۹۱)

۲-۵. آزادی و پایبند نبودن به ادیان

در مجموعه خانه درختی، نشانی از شرایع و یا بد و خوب وجود ندارد. هر کار غیرعاقلانه و خطرناکی مجاز، جذاب و قابل امتحان است. بزرگ‌تری که بد یا خوب را نیز گوشزد کند، وجود ندارد. دنیای بدون قانون و شرایع، در اوج لذت و سرخوشی. در داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز به خوانندگان کتاب توصیه می‌شود که هر محدودیتی را بی قید و شرط کنار بگذارند و تنها به تلاش برای رسیدن به آرزوها پردازند. اشاره به این‌که حق آزادی، ذاتی انسان است: «او اعتقاد داشت همه انسان‌ها آزاد زاده می‌شوند و دارای حقوق و احترام برابر هستند.» (فاویلی و کاوالو، ۱۳۹۷: ۳۶) در جملهٔ بعدی، حق امر و نهی به علت مالکیت استقلالی مرتبط می‌شود و به دنبال آن، آزادی بی‌قید و شرط اثبات می‌گردد: «هرچه باشد، گردنم مال من است. اگر بخواهم گردن درد بگیرم، به خودم مربوط است» (فاویلی و کاوالو، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل شاخصه‌های کلیدی و مسئله‌ساز اومانیسیم سکولار در ادبیات داستانی ترجمه‌شده برای کودکان و نوجوانان و بررسی دلالت‌های آن برای تربیت اسلامی انجام شد. بررسی بیانیه‌های اومانستی نشان داد مؤلفه‌هایی نظیر «خدای بدون

مداخله»، «انسان محوری» (شامل لذت محوری و منفعت طلبی)، «خودمحوری»، «انکار ادیان الهی و ماوراءالطبیعه» و «آزادی بی قید و شرط» ارکان اصلی این جهان بینی را شامل می شود. تحلیل محتوایی نمونه‌هایی از کتاب‌های پر فروش ترجمه شده برای گروه سنی ۹-۱۲ سال نیز مؤید حضور پررنگ این شاخصه‌ها در قالب تأکید افراطی بر توانایی‌های فردی و خوداتکایی شخصیت‌ها، غیاب یا به حاشیه راندن مفهوم خداوند و نیروهای معنوی، عادی‌سازی رفتارهای لذت جویانه و منفعت طلبانه بدون در نظر گرفتن پیامدهای اخلاقی و ترسیم جهانی بدون قیود دینی و معنوی بود.

یافته‌ها حاکی از آن است که این آثار می‌توانند به‌طور نامحسوس جهان بینی اومانستی را به مخاطب کودک و نوجوان القا کنند. تکیه صرف بر توانمندی‌های انسانی و حذف عنصر معنویت، اگر چه ممکن است در ظاهر به تقویت اعتماد به نفس بینجامد، ولی در بلندمدت می‌تواند به خودبستگی کاذب، غفلت از ابعاد متعالی وجود انسان و در نهایت احساس تنهایی و پوچی در مواجهه با چالش‌های زندگی منجر شود. چنانکه اشاره شد، نپرداختن به مفاهیمی چون خداوند، معاد و ارزش‌های وحیانی در محصولات فرهنگی، می‌تواند به پدیده «شکاف حافظه» (Spellman, Anderson, 1995) و فراموشی تدریجی این مفاهیم در ذهن نسل جدید، منجر شود. ترویج لذت‌گرایی و منفعت طلبی نامحدود نیز با تضعیف بنیان‌های اخلاقی، زمینه را برای اباحی‌گری و نسبی‌گرایی اخلاقی فراهم می‌سازد. این داستان‌ها زندگی را محدود به دنیا نشان می‌دهند و از مخاطب می‌خواهند به حداکثر شادی و رضایت فردی برسند. شخصیت‌های داستان در پی لذت و منفعت شخصی، کارهای خطرناک انجام می‌دهند و از مرزهای اخلاقی و عقلانی و قانونی گذر می‌کنند و همیشه پایان خوشی نیز در انتظارشان است. این مطلب در کنار ترسیم دنیای آزاد و بی‌حدومرز درون داستان، توصیه به شکستن موانع پیش‌رو در رسیدن به منافع و تمایلات شخصی و کنار زدن حدود و شرایع، به‌نوعی مروج اباحی‌گری و اسارت در دام امیال و شهوات دنیایی است. همچنین، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جهان بینی‌ای باشد که در آن، موفقیت و خوشبختی صرفاً در گرو دستاوردهای مادی و فردی تلقی می‌شود.

حذف نقش خداوند از داستان‌ها، به ایجاد احساس تنهایی و پوچی در کودک و نوجوان منجر می‌شود و تاب‌آوری آنان را کاهش می‌دهد؛ زیرا در سطح شناختی، ایمان یک سیستم اعتقادی ساختاریافته ارائه می‌دهد که افراد می‌توانند هنگام مواجهه با نبود قطعیت یا سختی، به آن تکیه کنند. این سیستم اعتقادی اغلب شامل اعتماد به یک قدرت بالاتر یا این باور است که رویدادهای

زندگی، بخشی از یک هدف بزرگ‌تر هستند که می‌تواند اضطراب وجودی را کاهش دهد و حس کنترل یا پذیرش را تقویت کند (Pargament, 1997).

این پژوهش چارچوبی نظری و عملی برای ناقدان، مترجمان، ناشران، مربیان و والدین فراهم می‌آورد تا با دیدی بازتر، به انتخاب و تحلیل آثار ادبی برای کودکان و نوجوانان بپردازند. شناخت این شاخصه‌ها اولین گام برای انتخاب آگاهانه و همچنین تولید محتوای جایگزین است که ضمن جذابیت داستانی، ارزش‌های اسلامی - ایرانی را نیز به مخاطب منتقل کند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تمرکز بر گروه سنی خاص (۹-۱۲ سال) و تعداد محدودی از آثار پر فروش اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، دامنه سنی گسترده‌تر و طیف وسیع‌تری از ژانرها و آثار ادبی (اعم از ترجمه و تألیف) بررسی شود. همچنین، بررسی تأثیرهای عملی این آثار بر نگرش و رفتار کودکان و نوجوانان از طریق مطالعات میدانی، می‌تواند مکمل یافته‌های این پژوهش باشد. در نهایت، تدوین راهکارهای عملی برای تولید و ترویج ادبیات کودک و نوجوان هم‌سو با مبانی تربیت اسلامی، گامی ضروری در جهت مصون‌سازی فرهنگی نسل آینده خواهد بود.

منابع

*قرآن کریم.

۱. ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، «انسان در نگاه اسلام و اومانیسیم»، *قبسات*، ش ۴۵، ص ۵۱-۷۰.
۲. اشتهاوردیان، احسان اله و گوگانی، محمد، (۱۴۰۰)، *خدای انسان‌گونه: بیانی کوتاه از روند تشکیل اومانیسیم دینی*، نشر گوی.
۳. امین خندقی، آرزو و محمدیان، عباس، (۱۳۹۰)، «نقد و مقایسه ویژگی‌های انسان کامل در اسلام، ادبیات عرفانی و اومانیسیم» [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده]، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
۴. رحیمی، ابوالقاسم؛ محمدیان، عباس و قوچانیان، رؤیا، (۱۳۹۰)، *بررسی اومانیسیم در آثار منیر و روانی پور و محسن مخملباف*، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
۵. بنی‌هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۹۵)، *تربیت، خودمحور یا خدا محور؟*، تهران، منیر.
۶. بهشتی، احمد، (۱۳۸۲)، «اسلام و اومانیسیم»، *کلام اسلامی*، ش ۴۷، ص ۱۶-۴۵.
۷. بهنام‌فر، محمد، (۱۳۹۸)، «مفهوم آزادی در اندیشه مولانا و مکتب اومانیسیم»، *فصلنامه پژوهشی ادبیات تطبیقی*، (۴)۷، ص ۱۶۲-۱۹۹.

۸. توکلی، غلامرضا، (۱۳۸۲)، «اومانیسیم دینی و اومانیسیم سکولار»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، (۱۷)، ص ۴۵-۶۴. Doi: 10.22091/pfk.2003.352
۹. جانسون، رابرت، (۱۳۸۷)، «انواع اومانیسیم»، ترجمه هدایت علوی تبار، فرهنگ (۶۵)، ص ۱۵۱-۱۸۲.
۱۰. جوان، محمدعلی، (۱۴۰۱)، *اومانیسیم در رمان معاصر فارسی با تکیه بر نویسندگان زن معاصر* [پایان‌نامه منتشر نشده]، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ارومیه.
۱۱. جوکاری، مهناز، (۱۳۹۳)، *بررسی شگردهای ارائه‌ایدئولوژی و راهکارهای خوانش انتقادی در چهار رمان نوجوان ایران* [پایان‌نامه دکتری منتشر نشده]، دانشگاه شیراز.
۱۲. رضایی تالارپشتی، عبدالهادی؛ ضمیری، محمدرضا و جمشیدی، محمدصادق، (۱۳۹۷)، «بررسی مبانی و پیامدهای فلسفی کلامی، نسبت‌گرایی اخلاقی از نگاه قرآن و روایات»، آینه معرفت، ۱۸(۳)، ص ۸۷-۱۰۸.
۱۳. حجوانی، مهدی، (۱۳۸۱-الف)، «گام‌های اول در نقد ادبیات کودک» (قسمت اول)، کتاب ماه کودک و نوجوان، (۵۷ و ۵۸)، ص ۲۸-۳۲.
۱۴. _____ (۱۳۸۱-ب)، «گام‌های اول در نقد ادبیات کودک» (قسمت دوم)، کتاب ماه کودک و نوجوان، (۵۹)، ص ۷۰-۸۰.
۱۵. حسنائی، محمدرضا، (۱۴۰۱)، «نقش فیلم‌های معاصر عامه‌پسند آمریکایی در مشروعیت‌دادن به تفکر اومانیسیم»، نشریه رهپویه هنرهای نمایشی، (۳)، ص ۷-۱۷.
۱۶. حسنی، سیدعلی، (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی اومانیسیم جدید»، معرفت فلسفی، ۱۰(۳)، ص ۱۱۶-۱۴۴.
۱۷. دال، رولد، (۱۴۰۰)، *ماتیلدا*، ترجمه: پروین علی‌پور، تهران، افق.
۱۸. دورانت، ویل، (۱۳۸۵)، *تاریخ تمدن: رنسانس (ج ۱۵)*، ترجمه: تقی‌زاده و دیگران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (اثر اصلی منتشر شده در ۱۹۵۳).
۱۹. دیویس، تونی، (۱۳۹۶)، *اومانیسیم*، ترجمه: عباس معخیر، نشر مرکز.
۲۰. رجیبی، محمود، (۱۳۷۹)، *انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۲۱. رضوی، سیدعلیرضا، (۱۳۹۵)، *گوهر آسمانی*، تهران، نیک معارف.
۲۲. زارع، آزاده، (۱۳۹۱)، «تألیف یک رمان با زمینه پراگماتیسیم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی پیام نور، تهران.
۲۳. شکاری، عباس و سلیمیان، مینا، (۱۳۹۵)، «سیر تحولی اومانیسیم نو و تأثیر آن بر تربیت دینی» [مقاله ارائه‌شده]، هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، شیراز، ایران.
۲۴. صالحی، اکبر و محرابیان، زهرا، (۱۳۸۷)، «بررسی انسان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی وجودگرا»، تربیت اسلامی، ۳(۷)، ص ۱۳۹-۱۶۰.

۲۵. صانع‌پور، مریم، (۱۳۸۸)، *تقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانستی*، کانون اندیشه جوان.
۲۶. عزیززاده شیرازی، سارا، (۱۳۹۷)، *تحلیل اومانیسیم در اشعار نیمایی (نیما یوشیج) فریدون مشیری، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده]، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
۲۷. فامیان، علی، (۱۳۷۹)، «تأثیر داستان‌پردازی در آموزش علوم به کودکان»، *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، (۹۱)، ص ۵۵۱-۵۶۲.
۲۸. فاولی، النا و کاوالو، فرانچسکا، (۱۳۹۷)، *داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز ۲: قصه‌هایی در مورد زنان استثنایی*، تهران، فرهنگ نشر نو.
۲۹. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کنگرانی فراهانی، وحید، (۱۳۹۶)، «تأملاتی در باب اومانیسیم»، *معرفت*، ص ۴۱-۴۸.
۳۱. گریفیتس، اندی، (۱۳۹۴-الف)، *خانه درختی ۱۳ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۲. _____ (۱۳۹۴-ب)، *خانه درختی ۲۶ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۳. _____ (۱۳۹۴-ج)، *خانه درختی ۳۹ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۴. _____ (۱۳۹۴-د)، *خانه درختی ۵۲ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۵. _____ (۱۳۹۶)، *خانه درختی ۹۱ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۶. _____ (۱۳۹۷)، *خانه درختی ۱۰۴ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۷. _____ (۱۳۹۸)، *خانه درختی ۶۵ طبقه*، ترجمه: آنتیا یارمحمدی، تهران، هوپا.
۳۸. ملک‌زاده دیلمقانی، زیبا؛ ناصری کهنه‌شهری، ناصر و حسن‌زاده، شهریار، (۱۴۰۱)، «بازتاب اومانیسیم در رمان‌های ماه کامل می‌شود و ترلان از فریبا وفی»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۱۵(۷۸)، ص ۱۸۷-۱۹۹، بازیابی شده از: <https://sid.ir/paper/1032466/fa>
۳۹. مک‌دونالد، مگان، (۱۳۸۶)، *جودی/انجمن مخفی تشکیل می‌دهد*، تهران، افق (کتاب‌های فندق).
۴۰. نوری ممینی، زینب و هاشمی، سیدجلال، (۱۳۹۴)، *بررسی تحلیلی اومانیسیم سکولار و دلالت‌های تربیتی آن* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده]، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
۴۱. یوسفیان، حسن و شریفی، احمدحسین، (۱۳۸۵)، *عقل و وحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

42. American Humanist Association. (2003). *Humanist manifesto III*. Retrieved from <https://americanhumanist.org/what-is-humanism/manifesto3/>
43. Anderson, M. C., & Spellman, B. A. (1995). On the status of inhibitory mechanisms in cognition: Memory retrieval as a model case. *Psychological Review*, 102(1), 68-100. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.102.1.68>

44. Bragg, R. B. (Ed.). (1933). A humanist manifesto. *The New Humanist*, 6(3), 1-5. Retrieved from: <https://americanhumanist.org/wp-content/uploads/2020/02/Humanist-Manifesto-I.pdf>
45. Humanists International. (2002). *Amsterdam declaration 2002*. Retrieved from: <https://humanists.international/policy/amsterdam-declaration-2002/>
46. Kristeller, P. O. (1978). Humanism. *Minerva*, 16(4), 586-595. <https://doi.org/10.1007/BF01096192>
47. Kurtz, P. (1980). The affirmations of humanism: A statement of principles. *Free Inquiry*. Retrieved May 27, 2025, from: <https://secularhumanism.org/>
48. Kurtz, P. (2000). *Embracing the power of humanism*. Rowman & Littlefield Publishers.
49. Kurtz, P., & Wilson, E. H. (1973). Humanist manifesto II. *The Humanist*, 33(5), 4-9.
50. Merriam-Webster. (n.d.-a). Humanism. In *Merriam-Webster.com dictionary*. Retrieved May 25, 2024, from: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/humanism>
51. Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. Guilford Press. (Transpersonal Psychology, nd. P17.)